

A Jurisprudential Study on Guaranteed Interests in Bank Deposits

Haydeh Darvishi¹, Esmat al-Sadat Tabatabaei Lotfi², Sayyed Muhammad Shafiei mazandarani³

¹Ph.D. Student, Department of Fiqh(jurisprudence) and basis of Islamic law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. h.d@gmail.com

²Assistant Professor, Department of Fiqh(jurisprudence) and basis of Islamic law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran(**Corresponding Author**). esmat.tab@gmail.com

³Assistant Professor, Department of Fiqh(jurisprudence) and basis of Islamic law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. shafieimazandarani@yahoo.com

Abstract

In order to attract public capital, banks have set guaranteed earnings and have tied the overpayment to the bank's economic efficiency. From a jurisprudential point of view, receiving interest on depositing money without any risk is considered usury, which is a religious prohibition. Jurisprudents have allowed receiving profits provided that a contract is made such as representation in investment, mudarabah, sale, etc. In this study, two categories of pricing and bank-deposit insurance are discussed, according to which the determination and guarantee of in-part-payment profits has a religious justification. Considering the acceptance of insurance in the form of Islamic contracts by most of the jurisprudents, bank deposit insurance that guarantees the principle in-part-payment interest is permissible. Also, the government's involvement in pricing has been approved, if necessary, with a view to providing social benefits. Therefore, given the current state of society, the government has the right to set the in-part-payment interest rates and according to the two categories considered, the in-part-payment interest has a legal justification.

Keywords: Interests, Usury, In-part-payment Profit, Insurance, Bank deposit.

بررسی فقهی سود علی الحساب تضمینی در سپرده‌های بانکی

هایده درویشی^۱، عصمت السادات طباطبایی لطفی^۲، سید محمد شفیعی مازندرانی^۳

^۱ دانشجوی دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. h.d@gmail.com
^۲ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). esmat.tab@gmail.com
^۳ استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. shafieimazandarani@yahoo.com

چکیده

بانک‌ها با هدف جذب سرمایه مردمی، سود علی الحساب تضمینی تعیین کرده و پرداخت اضافه سود را به بازدهی اقتصادی بانک منوط دانسته‌اند. از دیدگاه فقهی، دریافت سود در قبال سپردن پول، بدون هیچ‌گونه قبول خطر، ربا محسوب شده که حرام شرعی است. فقها دریافت سود علی الحساب را در صورت بستن عقد شرعی همچون وکالت بانک در سرمایه‌گذاری، مضاربه، مشارکت و مانند آنها و در نهایت مصالحه مجاز دانسته‌اند. در این تحقیق ضمن بررسی چگونگی این عقود در فعالیت‌های بانکی مرتبط با سود، دو مقوله جواز دخالت حکومت در تعیین حداقل سود و بیمه سپرده بانکی مورد بحث بوده که بر مبنای آنها می‌توان تعیین و تضمین سود علی الحساب را دارای توجیه شرعی دانست. با توجه به پذیرش بیمه در قالب عقود اسلامی توسط جمهور فقها، بیمه سپرده بانکی که بازپرداخت اصل سرمایه و حداقل سود را تضمین می‌کند، منعی ندارد. همچنین دخالت دولت در قیمت‌گذاری، در صورت لزوم و به قصد تأمین مصالح اجتماعی، مورد پذیرش واقع گردیده است.

کلیدواژه‌ها: سود بانکی، ربا، سود علی الحساب، بیمه، سپرده‌های بانکی.

۱. مقدمه

نیاز به کسب و کار جهت امرار معاش از ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی است. ادیان توحیدی در تعالیم خود، قوانین کسب روزی حلال را ارائه کرده و برخی کسب و کارها را با توجه به مضرات آن برای جامعه، نهی کرده‌اند (اصفهانی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۶). در بین اقسام کسب و کار، با توجه به نقش سرمایه در تولید سود حاصله، گاه پول مستقیماً مورد معامله قرار می‌گیرد که در صورت عدم رعایت موازین شرعی، ممکن است مشمول معامله ربوی گردد که از آن به شدت نهی شده است. دریافت سود از پول بدون قبول ریسک کاری، از جمله مواردی است که احتمال ربا در آن منتفی نیست و این در حالی است که بانک‌ها از بدو تأسیس، با دریافت سپرده‌ها و سرمایه‌های مردمی، فعالیت اقتصادی انجام داده و معمولاً درصدی به‌عنوان سود برای آنان در نظر می‌گیرند. میزان سود معمولاً براساس نوع سپرده از لحاظ مدت و نرخ بهره که از سوی نهادهای مربوطه اعلام می‌گردد، تعیین می‌شود.

در حال حاضر، بانک‌ها در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران از سه ابزار زیر برای تشویق صاحبان سرمایه، برای سپردن وجوه خویش نزد بانک‌ها استفاده می‌کنند: پرداخت سود علی‌الحساب، پرداخت سود علی‌الحساب تضمین شده، اعطای جوایز به دارندگان حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه.

سود علی‌الحساب به دارندگان حساب‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود. سود علی‌الحساب تضمین شده در قالب فروش اوراق مشارکت پرداخت می‌گردد و نظام بانکی بازپرداخت اصل و حداقلی از سود را برای خریداران اوراق مزبور تضمین می‌نماید. اعطای جوایز از طریق قرعه‌کشی، برای تشویق دارندگان وجوه به سپرده‌گذاری در حساب‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه به کار گرفته می‌شود.

با توجه به معلوم نبودن میزان سود واقعی حاصل از فعالیت اقتصادی از ابتدا، در بانکداری اسلامی، جهت پیشگیری از ربا، سود به صورت علی‌الحساب قرار داده می‌شود و معمولاً در عمل به همان نیز بسنده می‌گردد. پرداخت سود سپرده از نظر فقهی دارای چالش‌ها و تفاسیر فراوان است که از جمله‌ی آنها می‌توان به پرداخت سود براساس سرمایه، صرف نظر از سوددهی، عدم مشارکت سپرده‌گذاران در ریسک و مانند آن‌ها اشاره نمود. برخی با تشریح شرایط کنونی جامعه، تعیین نرخ سود را به صورت علی‌الحساب بنا به مقتضیات اسلامی، مجاز می‌دانند (موسویان، ۱۳۸۷، ص ۲۲) و عده‌ای در بررسی حقوقی مسئله، آن را در شرایط بانکداری اسلامی خارج از مسئله ربا (افشار و باقری، ۱۳۹۳، ص ۴۰) و مغایر با قرض ربوی دانسته (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۵) و یا براساس تقسیم‌بندی انواع عقود اسلامی و اقسام حساب‌های بانکی، درصدد توجیه آن برآمده‌اند (ترابی، ۱۳۹۶، ص ۶۵).

با این حال، به دلیل بروز برخی ناهنجاری‌ها در عملیات بانکی در این زمینه، مصونیت سپرده‌گذاران در برابر خطرات ناشی از تولید و تعیین نرخ بهره از پیش و بسنده به آن موجب شده که برخی اصل سود علی‌الحساب را حتی مغایر با متون اصلی بانکداری بدون ربا بدانند. بر این اساس، می‌توان بحث سود بانکی را همچنان از مسائل روز در جامعه اسلامی قلمداد نمود که نیاز به واکاوی از جنبه‌های مختلف دارد.

۲. اهداف تحقیق

در تحقیق حاضر، با توجه به مطالب طرح شده، پس از بررسی مفاهیم سود، بهره و ربا و همچنین اشاره به برخی فتاوی فقهی در زمینه سود علی‌الحساب، عقود توجیهی سود علی‌الحساب، مبنای جواز تعیین حداقل سود توسط دولت و نیز راهکار تضمین سود در بانک‌ها از طریق بیمه مورد واکاوی فقهی قرار می‌گیرد.

۳. سوال اصلی پژوهش

تعیین، تضمین و پرداخت سود بر سپرده‌های بانکی قبل از بازدهی سرمایه از منظر فقهی چه توجیهی دارد؟

۴. روش تحقیق

روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۵. بررسی مفهوم سود و تفاوت آن با ربا و بهره

۱-۵. سود

به صورت کلی، کسب مال حاصل از یک فعالیت اقتصادی، سود محسوب می‌شود. معنای لغوی سود برابر با ترقی، بهره و منفعت است و در معنای اصطلاحی در اقتصاد، مالی است که در فعالیت سرمایه، به دست صاحب سرمایه می‌آید و در لغت عرب از آن به‌عنوان ربح یاد می‌شود. در فقه، مالی را ربح گویند که به اصل سرمایه اضافه می‌شود. (احمدوند، ۱۳۸۹، ص ۲).

۲-۵. ربا

ربا در لغت به معنی افزونی است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۲۶) و در اصطلاح فقهی، گرفتن زیادی در معامله اشیای ربوی و یا در قرض می‌باشد و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد نیز ربا گفته شده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۵). برخی، ربا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: بیع یا معاوضه یکی از دو عوض همجنس پیمان‌های یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو، یا قرض دادن به شرط زیادی. با توجه به تعریف یاد شده، ربا در شرع مقدس دو مصداق دارد: یکی معامله دو کالای همجنس با زیادی در یک طرف (ربای معاملی، با فرض تحقق شرایط خاص) و دیگری قرض دادن به شرط زیادی (ربای قرضی). چنانچه امام خمینی تصریح نموده، ربا دو قسم است: ربای معاملی و ربای قرضی (امام خمینی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۰۹) که هر دو نوع آن حرام شمرده شده است.

شرط زیادی در ربای قرضی اعم از حقیقی یا حکمی است. زیادی حقیقی پول یا کالایی است که قرض دهنده علاوه بر اصل سرمایه‌ی خود که به عنوان قرض داده، می‌گیرد و منظور از زیادی حکمی، رسیدن هرگونه نفع (به غیر از پول یا کالا) به شخص قرض دهنده است (محقق، ۱۳۹۰، ص ۶۶). ربای معاملی یا در معامله نقدین، یعنی درهم در برابر درهم یا دینار در برابر دینار تحقق می‌یابد یا در اجناس غیر نقدین.

هرگونه زیادی در معامله نقدین ربا و حرام است، چنان‌که معامله نقدین بدون زیادی یکی بر دیگری به‌صورت نسبی نیز ربا محسوب می‌گردد.

در معاملات پایاپای، هرگونه زیادی در معامله‌ی همجنس و یا معامله‌ای که مشتمل بر زیادی یکی از عوضین باشد، با فرض تحقق شرایط خاص، ربای معاملی نامیده می‌شود که از آن منع شده است.

۳-۵. بهره و نرخ بهره

در خصوص بهره، از دیدگاه‌های مختلف، تعاریف عنوان شده شامل موارد زیر است:
الف. بهره در واقع هزینه‌ای است که افراد در ازای استفاده از منابع دیگران به آن‌ها می‌پردازند (افشار و باقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

ب. بهره در آمدی است که فرد به ازای به تعویق انداختن استفاده از منابع خود دریافت می نماید (تفضلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۸).

ج. بهره پاداشی است که به وام‌دهنده پرداخت می‌شود، تا در وهله اول آنان را ترغیب کند که از این وجوه نقد خود جدا شود و در وهله دوم، خطرات اقتصادی را که در جریان قرض دادن پول ممکن است پدید آید، خنثی کند (اصفهانی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۸).

در تعریف نرخ بهره آمده:

الف. نرخ بهره قیمتی است که در نظام سرمایه‌داری برای پول و اوراق قرضه پرداخت می‌شود (آل بویه و علم الهدی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

ب. نرخ بهره به صورت یک نرخ قراردادی، نرخ است که در قرارداد برای استقراض تعیین می‌شود (همان).

ج. نرخ بهره قیمت اجاره پول می‌باشد. البته گاهی به غلط آن را قیمت پول گفته‌اند، در حالی که قیمت پول، مقدار کالاها و خدماتی است که یک واحد پول قادر به خرید آن می‌باشد (تفضلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۸).

با توجه به تعاریف ذکر شده، چنین برداشت می‌شود که:

۱. بهره به ارزش افزوده پولی گفته شده که جهت استفاده، به شخصی دیگر داده می‌شود.

۲. برخی بهره را مشوقی برای امانت دادن پول دانسته‌اند. به این معنا که پس از تعیین سازوکار سالم در نظام اقتصادی، با هدف جذب سرمایه مردمی، برای آن‌ها پاداش قرار داده شده که مشوقی برای سپردن سرمایه‌های آنان شود.

لازم به ذکر است که در برخی متون، بهره (با توجه به تعیین آن از پیش) مترادف با ربا و لذا حرام دانسته شده است.

۴-۵. وجه تمایز سود با ربا و بهره

بر اساس تعاریف چنین برمی‌آید که وجه عمده اختلاف دو مقوله سود و ربا، در ریسک‌پذیری است. سود به درآمدی گفته شده که بر اساس یک فعالیت اقتصادی بر مبنای ریسک‌پذیری، به دست می‌آید. اما در ربا، بدون انجام فعالیت اقتصادی و اهمیت داشتن نوع فعالیت طرف مقابل، تنها در قبال قرض پول، سود اضافه طلب می‌شود.

بهره عبارت است از سهم یا اجرت سرمایه از حاصل تولیدی که این سرمایه در آن دخیل بوده است، اعم از سرمایه پولی شخص کارفرما یا سرمایه استقراضی و حقی است که از مشارکت در بالا بردن توان تولیدی ناشی می‌شود.

هم در سود و هم در بهره عامل زمان و ریسک وجود دارد، با این تفاوت که در بهره عامل زمان نقش مهمتری ایفا می‌کند و در سود عامل ریسک پررنگ‌تر است.

۵-۵. سود علی الحساب

سود علی الحساب وجهی است که بانک‌ها قبل از اتمام عملیات بانکی (که از محل سپرده‌های مشتریان خود و به وکالت از آنان آغاز کرده‌اند) پرداخت می‌نمایند. پرداخت این وجه منوط به تحقق سود واقعی نمی‌باشد و می‌توان در فواصل زمانی معین (ماهانه شش ماهه، یا هر سال یکبار) به صاحبان حساب‌های مزبور پرداخت یا به بستانکار حساب آنان واریز شود (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۰). در نظام بانکداری کنونی و یا مسائل مرتبط با اوراق مشارکت، برای سرمایه‌گذاری انجام شده، سود علی الحساب تعیین کرده و اضافه بر آن را منوط به سوددهی پروژه دانسته‌اند. سرمایه‌گذار از سود قطعی و تضمینی خود اطمینان داشته و در صورت بازدهی

مالی بیشتر، سود بیشتر تعلق خواهد گرفت (مظاهری، ۱۳۸۸، ص ۳۰). به گفته کمیته فقهی بانک مرکزی و فقهای شورای نگهبان، این نوع سود، تنها در ایران و پس از کش و قوس‌های فراوان تعیین شده است (خدیی، ۱۳۹۱، ص ۴).

۶. دیدگاه‌های فقهای در مورد سود سپرده و سود علی‌الحساب

فقهای در مورد سود سپرده و سود علی‌الحساب بانکی، نظرات متفاوتی داشته و هر یک با ارائه راهکارهای مختلف، در راستای مشروعیت آن کوشیده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

طبق نظر امام خمینی گرفتن بهره پول جایز نیست. ایشان در پاسخ به سؤالی در مورد سپرده کوتاه مدت بانک برای ساخت مسکن فرموده‌اند که اگر هدف از سرمایه‌گذاری تنها دریافت سود است، اشکال دارد و در عین حال اگر به قصد اخذ وام بوده و بانک خود سود بدهد، آن مشکلی ندارد. البته به شرطی که پس از دریافت وام، در محل اخذ شده مانند مسکن خرج شود (امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷).

از این بیانات، چنین برداشت می‌شود که جهت یک عمل، تأثیر مستقیم بر ماهیت آن دارد. بدین معنا که جهت و قصد، می‌تواند موجب جواز یا حرمت یک عمل باشد. مانند فروش انگور به قصد تهیه شراب که حرام دانسته شده است. لذا، جهت و هدف سپردن پول به نزد بانک اهمیت دارد.

آیت‌الله العظمی بهجت درباره سود سپرده فرموده‌اند که سود سپرده ربا و حرام است. اما یک راه حل برای توجیه سود ارائه داده‌اند. به این صورت که با سود یک معامله شرعیه انجام دهد، مثلاً یک خودکار را از بانک بخرند به مبلغ سود، به شرط آن که بانک فلان مبلغ وام به او پرداخت کند، مانعی ندارد (بهجت، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۸).

مقام معظم رهبری با توجه به مبانی فقهی - حقوقی سود بانکی فرموده‌اند: عملیات بانکی که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای محترم نگهبان رسیده، اشکال ندارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). از این سخن چنین برداشت می‌شود که سازوکار بانک مرکزی ایران، منطبق بر قوانین فقهی بوده و با توجه به تفکیک سود و ربا، طرح‌ریزی شده است.

آیت‌الله العظمی خوئی فرموده‌اند: گذاشتن پول در بانک دولتی یا غیردولتی به شرط انتفاع چه به عنوان بهره باشد یا غیر آن، حرام است، ولی بدون شرط و قرار به طوری که اگر به او ندهند، مطالبه نخواهد کرد، جایز است، ولو بداند که نفعی عاید او خواهد شد، بلکه به امید نفع هم باشد، حرام نیست و اگر بانک دولتی باشد، آن نفعی که به هر طور به او داده می‌شود، باید برای جواز تصرف و اصلاح آن رجوع به حاکم شرع یا وکیل او نماید، بلکه اصل پول خود را هم که پس می‌گیرد، چون حکم مجهول‌المالک را دارد، باید در آن هم رجوع به حاکم شرع یا وکیل آن کند که ما اجازه داده‌ایم به شرط آنکه در حرام صرف نکند و زیادتی آن را در آخر سال تخمیس کند (خوئی، ۱۳۷۱ق، ص ۴۷).

طبق بیان آیت‌الله العظمی سیستانی، اگر پرداخت مبلغ براساس معامله‌ای باشد که به حسب موازین فقهی صحیح است و احتمال عمل به آن معاملات در حق بانک‌ها داده شود، اشکال ندارد و تصرف در کل ارباح حاصله مجاز است، مثل سایر معاملات مشروعی که با اموال دولتی صورت می‌گیرد (سیستانی، ۱۳۹۷، ص ۵۷۴).

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی فرموده‌اند که اگر کاملاً طبق ضوابط و مقررات بانکی عمل شود، اشکال ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۷۱).

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی فرموده‌اند که با توجه به اینکه سپرده‌ها به عنوان مضاربه گذارده می‌شود، سود مضاربه اشکالی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۵۸۳).

صورت جواز طبق نظر آیت‌الله العظمی نوری همدانی هنگامی است که: اگر متصدیان بانک‌ها را وکیل کنند که از آن پول‌ها در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود و مبلغی از منافع را به صاحبان پول بدهند (نوری همدانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۷).

از نظر آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی اکتفاء به سود علی‌الحساب مانع حلیت قرارداد نیست و اگر اجازه چنین کاری را در چنین فرضی از مشتری گرفته باشند، اشکالی ندارد، در غیر این صورت در فرض شک در باقی ماندن مقداری از حق مشتری، باید با وی مصالحه کنند (شبیری زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۷).

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی بیان داشته‌اند که اگر سود حاصل از سرمایه‌گذاری معلوم است، باید پس از کسر حق‌الوکاله بانک، به مشتری پرداخت گردد و در صورت عدم پرداخت، مسئولین بانک ضامن هستند، اما اگر سود حاصل کاملاً مشخص نیست، با مشتری نسبت به مازاد یا کسری آن مصالحه نمایند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۷).

از سخنان فقهای محترم چنین برداشت می‌شود که دریافت سود علی‌الحساب بدون قبول هیچ‌گونه ریسکی در نفس خود حرام بوده و به مثابه ربا است. اما در قالب عقودی که خود بانک‌ها بر آن قرار می‌دهند که به نوعی بیع و قرار دو و یا چند طرفه محسوب می‌شود، توجیه شرعی پیدا می‌کند. در برخی نظریات، سود علی‌الحساب در قالب عقد مضاربه، در برخی دیگر تحت عنوان یک معامله و در برخی تحت عنوان قرارداد وکالت، توجیه پیدا می‌کند. لذا می‌بایست نوع عقد معین گردد.

۷. ماهیت حقوقی سپرده‌ها، عملیات بانکی و سود علی‌الحساب

بررسی و مشخص نمودن ماهیت سپرده‌های مردمی در نزد بانک‌ها در حساب‌های غیر قرض‌الحسنه یکی از مباحث مهم و کلیدی در وجه مشروعیت سود بانکی است. در نگاه اولیه، سپرده‌گذاری اعطای نوعی حق تصرف به بانک‌ها همراه با حق اتلاف مال است که البته مجانی نبوده و به ازای پرداخت مثل مال صورت می‌گیرد. از این جهت سپرده‌گذاری را می‌توان مشابه عقد قرض دانست با این تفاوت که «قرض، تملیک مال با ضمانت عین و یا مثل و قیمت آن» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۱۲) می‌باشد. مسلم است که اگر سپردن پول از قبیل قرض باشد، هرگونه زیادتی عینی و حکمی، حرام خواهد بود. ودیعه اصطلاحی و هبه به شرط ضمان نیز متصور نیست، چرا که در ودیعه، مستودع حق تصرف در ودیعه را ندارد و هبه به شرط ضمان هم معمولاً توسط افراد قصد نمی‌گردد و لذا منتفی می‌باشد. قالب‌های دیگری از جمله وکالت، مشارکت، مضاربه و... برای توجیه سود بانکی پیشنهاد شده است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۷-۱. سود علی‌الحساب بر پایه عقد وکالت

ممکن است بگوییم مردم، با توجه به ناآشنایی با مسائل اقتصادی، بانک را وکیل خود در سرمایه‌گذاری می‌دانند و بانک نیز با اطمینان از بازدهی خود، سود علی‌الحساب برای سپرده‌ها معین می‌کند. چنانچه بانک‌ها در قرارداد افتتاح سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به صراحت قید نموده، به امضای سپرده‌گذار می‌رسانند که وجه سپرده را به وکالت از سپرده‌گذار و به طور مشاع به کار گرفته، منافع حاصله را، پس از کسر حق‌الوکاله، طبق آیین‌نامه و مقررات مربوطه و با داشتن حق مصالحه بین بانک و سپرده‌گذاران، به تناسب مبلغ و مدت تقسیم نمایند.

لیکن با توجه به ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا: «بانک‌ها استرداد اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و یا به هزینه خود بیمه می‌نمایند»، گفته شده که این تعهد با اوصاف وکالت، که قانون، ماهیت این نوع سپرده‌ها را در قالب آن توجیه می‌کند، ناسازگار است. چرا که وکالت بر پایه امانت استوار بوده و وکیل فقط در صورت تعدی و تفریط مسئول جبران خسارت و استرداد اصل سپرده است (مسعودی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

۲-۷. سود علی‌الحساب بر پایه عقد اوراق مشارکت

در این نوع مشارکت، بانک برای تأمین مالی برخی پروژه‌های عمرانی نظیر سدسازی و... قطعاتی با نام اوراق مشارکت تعیین می‌کند. بر پایه مشارکت، سرمایه‌گذاران باید در سود و زیان، شریک باشند. لیکن فرض بر این است که با توجه به حمایت‌های دولتی و تجربیات بالا در این پروژه‌ها، می‌توان به صورتی سود را تضمین و میزان آن را تخمین زد. بر این اساس، بانک معادل سود مشخص، به مشتریان وعده داده و اصل سپرده و سود مشخص برای آن تضمین می‌گردد.

شیوه کار بنابر توضیح یکی از نهادهای مرتبط با امور شهرداری چنین است که «ابتدا با چاپ اوراق مشارکت، خریدار این اوراق، به عنوان سرمایه‌گذار پروژه مطرح می‌شود، این پول در راه خرید زمین یا خانه کهنه و امور ساخت‌وساز و... سرمایه‌گذاری می‌شود، بر این فعالیت اقتصادی نمایندگانی از بانک مرکزی و بانک‌های محلی و شورای اقتصاد، نظارت می‌کنند تا تمام مراحل مقدماتی جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری و صرف پول‌های مردم به درستی انجام شود، مال مردم از هرگونه خسارتی مصون باشد، سرمایه‌گذاری دارای بازده اقتصادی قطعی باشد، از قرار گرفتن سرمایه در غیر از مسیر و اهداف تعیین شده جلوگیری شود و مهمتر از همه قبل از انتشار اوراق، نمایندگانی از شورای اقتصاد، سودآوری قطعی پروژه را بررسی و تضمین می‌کنند تا از کمترین خسارتی بر مال و سرمایه مردم، جلوگیری شود. بعد از این مراحل و خرید اوراق مشارکت بوسیله مردم از همان ماه‌های اول، سودی در طول انجام پروژه به مردم سرمایه‌گذار داده می‌شود و بعد از پایان پروژه و سودآوری قطعی آن، سود حاصله به صورت نصف نصف یا غیر آن- بنابر قرارداد- بین سرمایه‌گذار و عامل اجرای پروژه محاسبه می‌شود و مقداری که مردم پس از دریافت اقساطی به عنوان سود، از سود قطعی پایان کار طلب‌کار شوند، به مالک سرمایه‌ها، پرداخت می‌شود» (اشرفی، ۱۳۹۳).

اشکال فقهی وارده این است که سود شرکت بعد از انجام کار و تحویل سود قابل تقسیم است و با تعیین سود که معمولاً توسط شورای پول و اعتبار صورت می‌گیرد، قابل تطبیق نیست.

۳-۷. سود علی‌الحساب بر پایه بیع

در برخی عقود، بر پایه نوعی بیع و معامله، کالایی با ارزش ناچیز همچون خودکار، رد و بدل شده، سود اعطاء شده مبلغی برای خرید آن محسوب می‌شود. این نوع عقود در پرداخت سود به سپرده‌گذاران معمول نیست. البته در بانک‌ها دریافت سود از مشتریان در قالب عقود مبادله‌ای، از جمله فروش اقساطی، اجاره به تملیک و جعاله و سلف توجیه می‌پذیرد که خارج از مقوله سود علی‌الحساب پرداختی از سوی بانک‌ها است.

۴-۷. سود علی‌الحساب بر پایه عقد مضاربه

این نوع عقد، معروف‌ترین عقود اسلامی برای اعطای سود می‌باشد. براساس این شیوه، مالک پول خود را به عنوان مضاربه به بانک می‌دهد و بانک به عنوان عامل یا واسطه بین مالک و عامل، پول مالک را در فعالیت‌های اقتصادی به جریان انداخته و بخشی از سود آن را به سپرده‌گذار می‌دهد.

این شیوه اگرچه ابتدائاً، راه حل مناسبی به نظر می‌آید، لیکن با توجه به برخی اشکالات، مورد تأمل بوده و به تناسب راه‌حل‌هایی پیشنهاد گردیده است (اشرفی، ۱۳۹۳):

۱. در مضاربه نسبت و درصد بین عامل و مالک، از اصل سود تعیین می‌شود، در حالی که در بانک‌ها درصد سود سپرده‌گذار از اصل سرمایه تعیین می‌شود.
 ۲. در مضاربه، هرگونه خسارت وارده بر مال بر عهده مالک است نه عامل، ولی در عقود بانکی خسارت بر عهده عامل، قرار می‌گیرد، نه مالک.
 ۳. دریافت سود در مضاربه مشروط به ظهور ربح است و سهم مالک و عامل به نسبت سود واقعی بدست آمده، قرارداد می‌شود. اما در مضاربه بانکی، سود قطعی بدون توجه به سودآوری سرمایه‌گذاری قرارداد می‌شود و توجهی به ظهور یا عدم ظهور ربح یا مقدار سود بدست آمده وجود ندارد.
- اشکالات دیگری نیز با نگاه سنتی به مضاربه وارد شده که از آنها صرف نظر می‌شود. از جمله اینکه موضوع مضاربه تجارت است، نه هر نوع فعالیت اقتصادی و حال آنکه در عملیات بانکی رایج محدودیتی از این نظر وجود ندارد و دیگر اینکه سرمایه در مضاربه باید از جنس نقدین (درهم و دینار) باشد و تعمیم آن به پول رایج مورد بحث است و ...

با توجه به اشکالات اساسی فوق، برخی، با موشکافی فعالیت بانکی در زمینه پرداخت سود، اولاً، عملیات بانکی منجر به پرداخت سود را نوعی عقد جدید دانسته‌اند که ممکن است برای مشروعیت آن شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شود. ثانیاً با توجه به عموم «أوفوا بالعقود»، اصل صحت، آیه ۲۹ سوره نساء: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل آل آن تکون تجاره عن تراض» و همچنین سفارش قرآن به در نظر گرفتن منفعت عمومی در جهات معاملات، بر مشروعیت آن صحت گذاشته، راه‌حل‌هایی را جهت توجیه سود علی‌الحساب مطرح نموده‌اند. با این بیان که: «می‌توان عنوان عقد مضاربه برای سازوکار سود علی‌الحساب را بر مبنای ودیعت مالیت دانست و نه ودیعه سرمایه. در واقع بانک ضمانت کرده که مالیت سرمایه را به ودیعت گیرد. به تعبیر دیگر، سرمایه‌گذار، اباحه و جواز تصرف بانک در مال خود را مشروط به گرفتن عوض مال به‌علاوه اضافه آن در موعد معین می‌نماید و بانک هم ملتزم می‌شود که سود مشخصی در ماه در قبال اصل سرمایه به مالک، تحویل دهد» (همان).

۷-۵. سود علی‌الحساب بر پایه‌ی وکالت

بانک را می‌توان واسطه‌ای بین عامل و مالک دانست. گو اینکه بانک با سرمایه شرکای متعدد (سپرده‌گذاران) و به وکالت از آنها مجموع مال را در یک پروژه بکار می‌گیرد، عامل به صورت معین نیست و سرمایه‌های دریافتی در بخش‌های کلان و هم‌سو با منفعت عمومی هزینه می‌گردد. بر این اساس، بانک به سرمایه‌گذاران، ضمانت سودآوری می‌دهد. این ضمانت از جهت سرمایه‌گذاری‌هایی است که بازدهی آنها قطعی می‌باشد. لذا، تخصیص سود براساس نسبتی از سرمایه، دارای توجیه می‌باشد. در واقع بانک به‌عنوان واسطه، چون به سودآوری اطمینان قطعی دارد، لذا، رقم آن را از عامل سرمایه‌گذاری طلب کرده و پس از کسر حق‌العمل کاری، به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کند.

در صورت وکالت به عقود سودآوری از قبیل مضاربه خللی وارد نمی‌شود. در این حالت وکیل تعهد کرده که در صورت بروز خسارت، این میزان را خود جبران کرده و خللی به قرارداد وارد نشود. البته این مباحث به شرطی ادله مشروعیت سود علی‌الحساب براساس عقود شرعی را اثبات کرده که فعالیت اقتصادی بانک، در محل مناسب و در جهت منفعت عمومی باشد.

در رابطه با اشکال قرار گرفتن خسارت احتمالی بر دوش عامل، بر خلاف مضاربه، عنوان گردیده که می‌توان با شرط ضمن عقد مضاربه، خسارت را بر عهده عامل قرار داد. در واقع عامل متعهد می‌شود که در صورت بروز خسارت، این مقدار را بر عهده گیرد. در صورتی که میزان سود حاصله عامل نیز بیش از مقدار مورد انتظار باشد، می‌توان ضمن مصالحه، مبلغی به سود علی‌الحساب مشتریان افزود.

نتیجه نهایی این‌که اولاً به دلیل تعهد عامل به پرداخت خسارت احتمالی، ثانیاً مشخص بودن محل سرمایه‌گذاری، ثالثاً به دلیل اطمینان از سودآوری قطعی، رابعاً به دلیل سازنده بودن محل سرمایه‌گذاری‌ها می‌توان نوعی عقد مضاربه را برای سود علی‌الحساب بانکی تعیین کرد که بر این اساس، پرداخت سود علی‌الحساب به مشتریان، با ربا متفاوت بوده و دارای مشروعیت می‌باشد.

۸. مبانی فقهی تعیین و تضمین سود علی‌الحساب

۸-۱. جواز دخالت حاکم اسلامی در تعیین حداقل سود بانکی

با توجه به مصالح اجتماعی، گاه حکومت در نرخ‌گذاری برخی موارد دخالت می‌کند. تعیین سود علی‌الحساب بانکی نیز یکی از موارد دخالت حاکم در قیمت‌گذاری دانسته شده است. معمولاً دولت بر مبنای نرخ تورم، برای سپرده‌ها سود تعیین می‌کند که در صورت مشروعیت دخالت حکومت می‌توان مشروعیت تعیین حداقل سود را توجیه نمود.

«در بانکداری بدون ربا ایران، از یک‌سو بخش زیادی از تسهیلات، در قالب عقود مبادله‌ای (بیش از ۸۰٪) واگذار می‌شود و در این عقود، نرخ سود علی‌الحساب بانکی زمان قرارداد تعیین می‌شود. از سوی دیگر، تعیین نرخ سود در عقود مبادله‌ای به‌صورت غیرمستقیم روی نرخ سود علی‌الحساب و قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. حال اگر این تعیین نرخ سود، خارج از مکانیزم عرضه و تقاضای بازار و توسط حاکم اسلامی و مقامات مربوطه باشد، نوعی قیمت‌گذاری محسوب می‌شود و از جهت فقهی مشمول همان قواعد و ضوابط قیمت‌گذاری خواهد بود» (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

در مسئله ممنوعیت یا جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی، روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده است.

امیرالمؤمنین (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند:

روزی حضرت بر محترکان گذشتند، امر فرمودند که اموال احتکار شد، آنان را به بازارها بکشانند، به‌گونه‌ای که در دید مردم قرار گیرد. سپس به آن حضرت عرض شد:

ای کاش نرخ معین می‌گردید. آن حضرت از این پیشنهاد خشمگین شدند، به‌طوری که آثار خشم بر چهره مبارکشان ظاهر شده و فرمودند: من قیمت تعیین کنم؟ همانا قیمت‌ها با خداوند متعال است. هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد (طوسی، ۱۴۰۱، ج ۷، ص ۱۶۱).

در مقابل، اسناد و روایات دیگری وجود دارد که می‌توان جهت جواز قیمت‌گذاری توسط حاکم اسلامی به آنها استناد جست. از جمله نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر زمانی که ایشان را به‌عنوان والی مصر تعیین کردند، که در ضمن دستورالعمل‌هایی فرمودند: «از احتکار ممانعت کن، زیرا رسول خدا از آن منع فرمودند و باید دادوستد، بدون سختگیری و با موازین عدالت و نرخ‌هایی که موجب اجحاف به هر یک از فروشنده و خریدار نباشد، انجام پذیرد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در کتاب معروف مقنعه آورده شده است که: برای حاکم جایز است به آن‌گونه که مصلحت می‌بیند، بر کالاها نرخ‌گذاری کند. ولی طوری نباشد که باعث خسارت صاحبان کالا شود (شیخ مفید، ۱۴۰۱ق، ص ۹۶).

صاحب مفتاح‌الکرامه از فقیهان زیادی نقل می‌کند: در کتاب‌های وسیله، مختلف، ایضاح، دروس، لمعه، مختصر و تنقیح آمده است: در صورتی که محکوم در قیمت جنس اجحاف کند، نرخ معینی برای او تعیین می‌شود، زیرا تجاوز از حد متعارف، اضرار بر مشتری است و در شریعت اسلام اضرار نفی شده است (حسینی عاملی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۰۹).

شهید ثانی در مسالک بعد از حکم به اجبار محکوم بر فروش و عدم تعیین قیمت، می‌گوید: مگر در صورت اجحاف مالک، حاکم می‌تواند قیمت‌گذاری کند، وگرنه فایده‌ای در اجبار به فروش نیست، زیرا در صورت اجحاف مالک، اگر بگوییم حاکم نمی‌تواند نرخ‌گذاری کند، برای محکوم جایز خواهد بود قیمتی روی کالای خود بگذارد که مقدور مردم نیست و برای آنان زیان‌بار است و حال آنکه غرض از اجبار بر فروش، دفع ضرر از مردم است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۷).

شیخ صدوق در توحید، عبارتی دارند که می‌تواند جامع خیلی از دیدگاه‌ها باشد. وی می‌نویسد: در آن ارزانی و گرانی که نتیجه فراوانی و کمیابی طبیعی و عادی کالا است، از جانب خداوند عزوجل می‌باشد و رضا به این پدیده و تسلیم او شدن، واجب است و آن گرانی و ارزانی که معلول کمیابی و فراوانی طبیعی کالا نیست و بدون خواست مردم این مشکل پدید می‌آید و مردم به آن دچار می‌شوند یا یک سودجو، از میان مردم تمامی آذوقه شهر را خریداری کرده و سبب گرانی شده است، این تغییر نرخ از قیمت‌گذاران و تجاوزگران محکوم سودجوست که با خریداری طعام و آذوقه شهر، موجب گرفتاری مردم شده‌اند، همان‌گونه که حکیم بن خرام انجام می‌داده، به طوری که همه آذوقه وارداتی مدینه را می‌خریده که پیامبر اکرم (ص) بر وی عبور کرده و فرمودند: یا حکیم بن خرام، از احتکار بر حذر باش (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۸۹).

از جمع‌بندی آیات و روایات مرتبط با قیمت‌گذاری چنین استفاده شده که در شرایط عادی و طبیعی اقتصاد کسی حق تعیین نرخ برای بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری دیگر را ندارد. اگر شرایط غیرعادی مانند انحصار منابع پولی یا تبانی بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری دیگر، برای بالا بردن سود پیش بیاید، مسئولان امر می‌توانند با رعایت مصالح کل جامعه از جمله منافع سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات و با رعایت ارزش خدمات بانک، متناسب با قیمت بازار برای سپرده‌ها، تسهیلات و سایر خدمات بانکی قیمت تعیین کنند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۵-۱۶).

۸-۲. تضمین بازگشت سرمایه و سود از طریق بیمه سپرده بانکی

بانک با پرداخت ده درصد سپرده‌های بانکی به‌عنوان بیمه، آن را در مقابل خطر ورشکستگی بیمه می‌کند. شرکت بیمه سرمایه‌گذاری سپرده‌ها با این سرمایه‌ها، به فعالیت تجاری پرداخته و با درآمد حاصله، خطر ورشکستگی بانک را در مقابل پرداخت سپرده‌های تا سقف معین، ضمانت می‌کند. با توجه به جواز بیمه از دیدگاه فقها، بیمه سپرده بانکی نیز مشروعیت لازم را داشته و ضمانت اصل سپرده، توجیه شرعی و حقوقی پیدا می‌کند.

با توجه به نظریه بیمه، انتقال ریسک عملیات در ازای پرداخت بخشی از مبلغ آن، می‌تواند مبنای تضمین اصل سرمایه به همراه سود علی‌الحساب، قرار گیرد. لذا، بر همین مبنای سود علی‌الحساب و اصل سرمایه، مورد ضمانت می‌باشد.

۸-۲-۱. ماهیت بیمه و مشروعیت آن از منظر فقها

در نظام‌های مالی، حداقل‌رسانی ریسک فعالیت، دغدغه هر فرد فعال در این عرصه است. در این راستا صنعت بیمه به قصد محافظت از مال در برابر ریسک‌های متعدد، مورد توجه بوده است. بیمه نوعی عقد است که بر مبنای آن، خطر و ریسک انجام یک عمل، به دیگری واگذار شده و در قبال آن هزینه دریافت می‌شود (ترابی، ۱۳۹۶، ص ۱۷). نهاد حقوقی بیمه منشاء اروپایی دارد و به مفهوم رایج، در فقه اسلامی پیشینه‌ای ندارد، هرچند برخی از قراردادهای خاص در نظام حقوقی اسلام، مانند حق عُمری، شرط ضمانت نفقه مادام‌العمر برای همسر و ضمان جریره، شباهتی صوری با این نهاد حقوقی دارد.

فقهای مسلمان بیمه‌های اجتماعی و تعاونی را، به استناد وجود تعاون و عدم کسب ربح، مشروع می‌دانند و درباره بیمه‌های خصوصی به سه دسته موافق، مخالف و قائلان به تفصیل تقسیم می‌شوند.

موافقان مشروعیت قرارداد بیمه، که اغلب فقهای شیعه در این گروه جای می‌گیرند، سه گروه‌اند: نخستین گروه، عقد بیمه را بر یکی از عقود معین فقهی منطبق می‌دانند. اختلاف نظر درباره مستقل بودن عقد بیمه یا منطبق بودن آن بر یکی از عقود معین، در بین حقوقدانان غیرمسلمان نیز مطرح است. در اینجا به تعدادی از این عقود معین و نحوه انطباق آن‌ها بر بیمه اشاره شده است.

۸-۲-۲. عقود مبنایی بیمه

۸-۲-۲-۱. عقد مضاربه

برخی از فقیهان، عقد بیمه را منطبق بر عقد مضاربه می‌دانند. تقریباً در سی سال گذشته، اهل سنت در نظام بانکداری اسلامی برای انعقاد عقد بیمه از عقد مضاربه استفاده کرده‌اند. بدین صورت که بیمه‌گر و بیمه‌گزار در قرارداد مضاربه متعهد می‌شوند که هرگونه خسارتی که در متن قرارداد ذکر شده است از طریق مضاربه پرداخت شود. این قرارداد شبیه عقد بیمه است، با این تفاوت که در عقد بیمه باید حق بیمه پرداخت شود، ولی در عقد مضاربه حق بیمه از ناحیه مضارب به سرمایه اضافه می‌شود و در صورت بروز حادثه، خسارت از سرمایه یا سود شرکت پرداخت می‌شود. در صورت عدم بروز حادثه، مضارب می‌تواند از پرداخت وجه مذکور خودداری کند (مظاہری، ۱۳۸۸، ص ۳۰).

۸-۲-۲-۲. عقد ضمان

عقد بیمه نوعی عقد ضمان عوض نسبت به اعیان خارجی و شخصیه‌ای است که در نزد صاحبانش قرار دارد. شاید ذکر کلمه تضمین در امتیازنامه منعقد بین ناصرالدین شاه و لازار پولیاکف روسی و قانون تجارت بحریه مصوب ۱۲۸۰ دولت عثمانی دلیل بر این باشد که تنظیم‌کنندگان امتیازنامه و وضع‌کنندگان قانون مذکور، بیمه را بر عقد ضمان منطبق می‌دانسته‌اند (امین، ۱۳۶۶، ص ۲۷).

۸-۲-۲-۳. صلح

عقد صلح از عقود مستقل است و به عقود دیگر برنمی‌گردد و بیمه می‌تواند در قالب این عقد با تسالم بین بیمه‌گر و بیمه‌گزار مبنی بر پرداخت وجه بیمه به صورت اقساط یا نقد در مقابل تعهد بیمه‌گر نسبت به جبران خسارت وارد شده نسبت به موضوع بیمه، انجام گیرد (حسینی شیرازی، ۱۲۶۲ق، ص ۳۴).

۸-۲-۲-۴. هبه معوضه

برخی دیگر از فقها عقد بیمه را منطبق بر هبه معوضه می‌دانند، یعنی بیمه‌گذار در هر سال یا هر ماه یا یکجا مبلغی را به رایگان تملیک بیمه‌گر می‌کند، با این شرط که در صورت بروز حادثه و خسارت به مال یا جان او، بیمه‌گر وجه مذکور را به تملیک بیمه‌گذار یا خانواده‌اش درآورد (روحانی، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

۸-۲-۲-۵. عقد موالاه

برخی دیگر عقد موالاه را نوعی بیمه مسئولیت می‌دانند، زیرا در عقد موالاه شخصی که نسب او مجهول است، دیگری را برای پرداخت خسارت حاصله از جنایتش ولی خود قرار می‌دهد و در مقابل، این فرد پس از فوت او وارث وی خواهد شد (نجفی جواهری، ۱۳۷۴ق، ج ۲۳، ص ۲۱).

۸-۲-۲-۶. عقود دیگر

برخی دیگر از فقها، عقد بیمه را بر یکی از عقود شرکت، جعاله، ودیعه، حواله، وکالت، قرض و یا عقد تبرع به شرط عوض، منطبق دانسته‌اند.

۸-۲-۳. بیمه سپرده بانکی، راهکار توجیهی تضمین سرمایه و سود

طبیعتاً بیمه سپرده بانکی تابع همان مبنا و ماهیت فقهی می‌باشد که برای بیمه مشخص گردیده است. بیمه سپرده بانکی در زمره عقود شرعی و مبتنی بر همکاری ملی و تعاون قلمداد شده و لذا مشروعیت آن تأیید گردیده است. مسئله پرداخت خسارت، به‌عنوان هر نوع خسارت دیگر که ریسک‌هایی را ضمانت می‌کند، دارای جهت حلال است. پوشش ریسک یک معامله و پرداخت خسارت مرتبط با آن، در تعداد معدودی از متون فقهی اشاره شده است (دسوقی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۷۰). لذا، معامله برای پوشش ریسک یک معامله دیگر، به شرط حلال بودن آن معامله نیز تأیید شده است. البته شبهاتی همچون *الزام مالایزم* به معنای تعهد پیش از اجرای یک قرارداد (همان) و *ضمان مایجب* به معنای ضمانت تعهدی که هنوز بوجود نیامده، به عنوان شبهاتی برای مشروعیت بیمه خسارت یک معامله مطرح شده‌اند. اما در پاسخ به این شبهات بیان شده که در این نوع بیمه، تضییع اموال به دلیل غرق، سوختن، سرقت، تلف و امثال آن وجود ندارد. لذا، بر همین مبنا، طرح مسئله ضمانت مالیم یجب، در مورد آن صحیح نیست. همچنین اگر بیمه از مصادیق آن باشد، باز هم انشاء تعهد می‌تواند به گونه‌ای بوده که چنین شبهه فقهی در مورد آن صادق نباشد. از سوی دیگر، با توجه به معین بودن فعالیت اقتصادی مرتبط با آن، نمی‌توان اصل الزام مالایزم را در مورد آن صحیح دانست (عبده، ۱۴۰۰ق، ص ۶۳). بنابراین، می‌توان شبهات وارده به مسئله بیمه ریسک قرارداد را رد کرده و آن را صحیح دانست. در متن قرارداد بیمه می‌توان شرط بازپرداخت خسارت را زیان مالی ناشی فعالیت اقتصادی و مبلغ خسارت را اصل سرمایه به‌علاوه سود علی‌الحساب آن دانست. بر این مبنا، سود علی‌الحساب بانکی، منع شرعی ندارد.

۹. نتیجه‌گیری

سود علی‌الحساب بر مبنای عقود اسلامی دارای جواز بوده و صرف سپردن پول و دریافت سود، نکوهیده شده است. مشخص بودن نوع عقد بسته شده میان مشتری و بانک براساس قواعد فقهی و در نهایت با مصالحه میان بانک و سپرده‌گذار پایه اصلی مشروعیت چرخش مالی سرمایه مأخوذه و سود حاصله را تشکیل می‌دهد. تعیین حداقل سود در عقود مشارکتی و غیر آن براساس تخمین کارشناسان در پروژه‌ها و جواز دخالت دولت در نرخ-گذاری قابل توجیه است. حاکم اسلامی تحت شرایطی، مجاز به قیمت‌گذاری بوده و با توجه به مصالح اجتماعی، گاهی این مقوله قابل تعمیم به سود بانکی نیز می‌باشد. چنانچه در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، بارها نرخ سود علی‌الحساب تعیین شده و فرض بر این است که در شرایط خاص، به قصد مقابله با سودجویی و تعادل اجتماعی، حکومت مجاز به قیمت‌گذاری در کالاها می‌باشد. پرداخت سود قبل از اتمام عملیات و سوددهی را می‌توان با تعهد بانک، که ممکن است به عنوان واسطه یا وکیل در نظر گرفته شود، توجیه نمود. همچنین، با توجه به جواز نفس بیمه از دیدگاه فقها و سازوکار آن، ضمانت اصل سرمایه و سود علی‌الحساب از طریق بیمه ممکن است.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب. بیروت: دارالبحوث العلمیه، ج ۵.
۲. احمدوند، خدیجه (۱۳۸۹). احکام سود سپرده‌های بانکی در فقه امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات.
۳. اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۹۳). درس خارج فقه: بانکداری اسلامی. سلسله درس‌های مدرسه فقهت. قابل دسترس در: <http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/Ashrafi/Feqh۳/۹۳>
۴. اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۵۲). وسیله النجات. قم: نشر نیکنام، چاپ سوم، ج ۱.
۵. افشار، فریبا؛ باقری، مصطفی (۱۳۹۳). بررسی تعیین نرخ سود بانکی در بانکداری بدون ربا در نظام بانکی ایران. در: کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
۶. آل بویه، علی؛ علم‌الهدی، سید سجاد (۱۳۹۱). بررسی سود بانکی در شرایط تورمی. بخشنامه راهبردی، ۲۱(۶۵)، ص ۱۶۵-۱۹۰.
۷. امین، سیدحسین (۱۳۶۶). حقوق بیمه. تهران: نشر میزان.
۸. بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶). رساله توضیح المسائل. قم: مؤسسه فرهنگی و هنری البهجه، ج ۲.
۹. ترابی، سید روح‌الله (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی سود سپرده‌های بانکی. تهران: انتشارات قانون یار.
۱۰. تفضلی، فریدون (۱۳۸۷). اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی. تهران: نشر نی، ج ۱.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۶۲ق). الفقه. نجف: نشر موسسه کاشف الغطاء، چاپ سیزدهم.
۱۲. حسینی عاملی، محمدجواد (۱۴۲۶ق). مفتاح الکرامه. قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۴.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). استفتائات. قابل دسترس در: khamenei.ir
۱۴. خدیوی، پریسا (۱۳۹۱). ارتباط متقابل بین نرخ سود تسهیلات بانکی و نرخ تورم در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی.
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). تحریر الوسیله. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات دارالعلم، ج ۳.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). استفتائات. تجدید چاپ شده. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۴۱۴ق). کتاب البیع. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم، ج ۲.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۱ق). مصباح الفقاهه. قم: انتشارات وجدانی، چاپ سوم.
۱۹. دسوقی، محمد (۱۳۸۷ق). التامین و موقف الشریعه. بیروت: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱.
۲۰. روحانی، محمدصادق (۱۳۹۳). المسائل المستحدثه. بیروت: دارالکتب الإسلامیه.
۲۱. سیستانی، سید علی (۱۳۹۷). رساله توضیح المسائل. قم: دارالقلم، چاپ سی‌ام.

۲۲. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۶). رساله توضیح المسائل. قم: آدینه سبز، ج ۱.
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۰۱ق). المقنعه. بیروت: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۳). رساله توضیح المسائل. قم: آدینه سبز، ج ۲.
۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۱ق). تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه. بیروت: دارالتعارف، ج ۷.
۲۷. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام. بیروت: دار الکتب الإسلامیه، ج ۱.
۲۸. عبده، سید عبدالمطلب (۱۱۰۰ق). التامین علی الحیاه. قاهره: دارالکتب اسلامیه.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله. قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار، ج ۱.
۳۰. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد. قم: انتشارات آل‌البیت، ج ۱.
۳۱. محقق، محمدجواد (۱۳۹۰). درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی. معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، ص ۵۷-۸۰.
۳۲. مسعودی، علیرضا (۱۳۸۷). حقوق بانکی. تهران: پیشبرد.
۳۳. مظاهری، طهماسب (۱۳۸۸). سود بانکی در بانکداری بدون ربا و نظام پول اعتباری. در: تهران: بیستمین همایش بانکداری اسلامی، ۱(۴)، ص ۲۵-۳۶.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲ق). استفتائات جدید. قم: مدرسه الإمام علی بن ابیطالب(ع)، ج ۲.
۳۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). بررسی فقهی - حقوقی تعیین نرخ سود بانکی. فقه و حقوق، ۴(۱۶)، ص ۷-۳۵.
۳۶. موسویان، سید عباس (۱۳۸۷). بررسی فقهی و اقتصادی تعیین نرخ سود بانکی. در: نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی. تهران: موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۲(۷)، ص ۱۷-۲۸.
۳۷. میرزایی، جمشید؛ زارع شعار، حسین؛ سفیدی، سپیده؛ میری، صدیقه (۱۳۹۶). نگرشی تحلیلی بر سود سپرده‌ها و وام‌های بانکی از نگاه فقه و قوانین موضوعه. در: اولین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم انسانی و بانکداری اسلامی، ۴(۷)، ص ۲۵-۴۱.
۳۸. نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۷۴ق). جواهر الکلام. تهران: انتشارات موسسه کیهان، ج ۲۳.
۳۹. نوری همدانی، حسین (بی‌تا). هزار و یک مسئله فقهی (مجموعه استفتائات). ناشر: مهدی موعود، ج ۲.